

## معرفی نامه کوتاه سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

### که هستیم ؟

\* سازمان ما در جریان انقلاب ۱۳۵۷ شکل گرفت و با نام راه کارگر در چهارم تیر ۱۳۵۸ رسماً اعلام موجودیت کرد و در سال ۱۳۶۱ نام "سازمان کارگران انقلابی ایران ( راه کارگر)" را برای خود برگزید.

\* سازمان ما از همان ابتدا ، بر تناقض انقلاب ایران که یک رژیم ضدانقلابی را از درون خود بیرون داده بود انگشت گذاشت ؛ انقلاب ایران را شکست خورده ارزیابی کرد و به افشای ماهیت ارتجاعی ، ضددمکراتیک رژیم جدید و رسالت آن در تداوم حاکمیت سرمایه و بازسازی ماشین سرکوب پرداخت. در طول سالیان سال که رژیم جمهوری اسلامی مشروعیتش را از انقلاب توده ای می‌گرفت و مورد حمایت اکثریت مردم و احزاب و جریان‌های سیاسی کشور و اغلب کمونیست ها ، دمکرات ها و ترقیخواهان جهان بود ، سازمان ما به شنای خلاف جریان پرداخت و تلاش برای آگاهگری در بین کارگران و زحمتکشان و نقد بی امان تئوری هائی که برای توجیه حمایت از رژیم جمهوری اسلامی - چه از راست و چه از طرف وابستگان به شوروی اختراع میشدند- در صدر وظائف خود قرار داد.

\* انبوهی از زنان و مردان فعال در سازمان ما بخاطر افشای رژیم جمهوری اسلامی و در جریان سازماندهی کارگران و زحمتکشان برای مبارزه در راه آزادی و سوسیالیسم ، زندانی ، شکنجه و اعدام شده اند که ۹ تن از اعضای کمیته مرکزی جزو آنها بوده اند.

\* سازمان ما در محیط کار و زندگی کارگران و زحمتکشان در ایران حضور فعال دارد و مبارزه سیاسی و سازمانگرانه خود را با یک رادیوی سراسری برای ایران تقویت میکند.

\* در شرایطی که چپ رادیکال ایران دچار پراکندگی است و با پایه طبقاتی خود پیوند محسوسی ندارد، سازمان ما پروژه استراتژیک اتحاد چپ رادیکال را علیرغم اختلافاتشان و حول اشتراکاتشان در مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی، سازماندهی جنبش کارگری و ایجاد دولت کارگران و زحمتکشان ، در صدر وظائف مبارزاتی خود قرار داده است.

### چه می خواهیم ؟

\* سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی  
\* تشکیل مجلس موسسان متکی بر انقلاب توده ای برای تدوین قانون اساسی انتقال از سرمایه داری به سوسیالیسم بر پایه موازین زیر:  
\* تاسیس دولت کارگری مبتنی بر خودحکومتی وسیع توده ای  
\* حق رای عمومی برای تاسیس، اداره و تغییر نظام

\*آزادیهای بی قید و شرط سیاسی  
 \*حق ملل برای تعیین سرنوشت خود با حق جدائی  
 \*اتحاد داوطلبانه ملل ساکن ایران  
 \*ممنوعیت هر نوع حکومت ایدئولوژیک یا تک حزبی  
 \*برابری زنان با مردان در همه عرصه ها و از میان رفتن امتیازات و  
 فرهنگ مردسالاری و پدرسالاری  
 \*ممنوعیت شکنجه و زندان سیاسی  
 \*لغو مجازات اعدام  
 \*آزادی کامل اطلاعات و اخبار و ممنوعیت سانسور  
 \*آزادی و استقلال کامل اتحادیه ها و اعتصاب  
 \*آزادی احزاب سیاسی و به رسمیت شناختن تعدد احزاب از جمله  
 برای طبقه کارگر  
 \*مالکیت اجتماعی بر کلیه مواضع کلیدی اقتصادی  
 \*مدیریت کارگری  
 \*مالیات تصاعدی بر درآمد و ارث  
 \*حق کار  
 \*حق مسکن  
 \*حق تندرستی و درمان  
 \*\_حق آموزش و پرورش  
 \*جلوگیری از تخریب محیط زیست  
 \*خلع سلاح کامل هسته ای و شیمیائی  
 \*برقراری یک نظم دمکراتیک و برابر حقوق در حوزه های اقتصادی،  
 سیاسی، فرهنگی در مناسبات بین المللی

## چه میگوئیم ؟

\*سرمایه داری مسبب اصلی و باز تولید کننده دائمی نابرابری  
 اجتماعی، فقر و محرومیت توده ای و همه مصائب اجتماعی است.  
 \*میلیاردها انسان به بردگی کشیده شده توسط سرمایه داری، آینده ای  
 در این نظام ندارند و تهاجم افسارگسیخته سرمایه داری به حداقل های  
 زندگی مردم در سراسر جهان، مبارزه برای سوسیالیسم را بیش از هر  
 وقتی به نیاز روز مبدل کرده است.  
 \*سوسیالیسم نه فقط اجتماعی شدن وسائل تولید و مبادله، بلکه  
 اجتماعی شدن قدرت سیاسی نیز هست؛ یعنی حاکم شدن واقعی اکثریت  
 جامعه بر همه عرصه های حیات خود و جامعه و تبدیل شدن توده های  
 مردم به تصمیم گیرندگان واقعی حال و آینده و سرنوشت خود و جامعه.  
 \* دمکراسی سوسیالیستی، علاوه بر فرصت های برابر اجتماعی، خود  
 حکومتی توده ای و نظارت و کنترل مردم در همه سطوح است. آزادی  
 بی قید و شرط سیاسی و حق رای عمومی برای تاسیس، اداره و تغییر  
 نظام سیاسی\_بعنوان حقوق اساسی شهروندی\_و حق ملل برای تعیین  
 سرنوشت خود(یعنی حق جدائی) از اجزاء همیشگی و تعطیل ناپذیر  
 دمکراسی سوسیالیستی اند. سوسیالیسم، بمعنی حاکمیت اکثریت استثمار

شونده بر اقلیت استثمارگر و نظامی که در آن تکامل آزادانه هر فرد، شرط تکامل آزادانه همگان است، فقط میتواند برپایه چنین دموکراسی همه جانبه ای واقعیت پیدا کند. این دموکراسی از تعریف سوسیالیسم و از اهداف سوسیالیسم تفکیک ناپذیر است .

\*\_مبارزه برای سوسیالیسم از مبارزه برای رهائی زنان از نظام پدسالاری و مردسالاری جدا نیست. انقلاب سوسیالیستی به خودی خود رهائی زن را تحقق نمی بخشد و دموکراسی سوسیالیستی هنگامی میتواند واقعیت پیدا کند که زنان \_ که نیمی از جمعیت را تشکیل میدهند \_ نه تنها از حقوق برابر با مردان در قانون برخوردار و از تبعیضات جنسی آزاد شده باشند، بلکه بطور مساوی با مردان در قدرت سیاسی شرکت داشته باشند.

\*\_هر گونه قیام مابقی بر توده ها از طرف هر حزب و هر دسته و هر شخصیتی، هر اندازه هم که مردمی و دلسوز توده ها باشد، نقض دموکراسی و در تناقض با سوسیالیسم است.

\*\_دولت کارگری، ادغام حزب کمونیست و دولت (نظام تک حزبی) و حکومت حزب و پیشاهنگان بجای توده ها نیست.

\*\_حکومت ایدئولوژیک (چه مذهبی، چه مارکسیستی و چه غیر آنها) مخدوش کننده صفوف طبقات، نافی حاکمیت طبقاتی، منحرف کننده مبارزه طبقاتی کارگران و قاتل آزادی و دموکراسی است.

\*\_طبقه کارگر دارای گرایشات عقیدتی، ایدئولوژیک و سیاسی گوناگون است. طبقه کارگر نمیتواند فقط دارای یک گرایش و یک حزب باشد. هیچ حزب کارگری صاحب تمامی حقیقت و سخنگوی همه اقشار طبقه کارگر نمیتواند باشد. باید تنوع گرایشات و تعدد احزاب کارگری را به رسمیت شناخت، و بدون چشم پوشی بر اختلافات، به اتحاد همه گرایشات کارگری در مبارزه علیه سرمایه داری و استبداد و وحدت جبهه کار در برابر جبهه سرمایه و ارتجاع اولویت داد. دیوارکشی های ایدئولوژیک، مذهبی، ملی، جنسی، و نژادی در درون کارگران، دوام نظام بردگی را تضمین میکند.

\*\_جنبشهای توده ای اسلامی با گرایشات ضد دموکراتیک و واپسگرا در ایران و در منطقه محصول فقدان آلترناتیو بالفعل کارگری سوسیالیستی برای پاسخگویی به بحران اجتماعی و اقتصادی سرمایه داری در این کشورهاست. بدون حل این تناقض، نه تنها عدالت اجتماعی بلکه حتی "دموکراسی" بورژوازی و آزادیهای سیاسی و شهروندی در این کشورها قابل حصول نیست. این تناقض فقط توسط نیروهای اجتماعی چپ متکی به جنبش طبقاتی کارگران و زحمتکشان می تواند حل شود. و به همین دلیل، ما ضمن آنکه برای اتحاد چپ کارگری در ایران به منظور متحد کردن و به میدان آوردن بلوک طبقاتی کارگران و زحمتکشان حول منافع طبقاتی ایشان تلاش می کنیم، خواهان نزدیکی و همکاری با نیروهای چپ کارگری در همه کشورهای اسلامی برای مقابله با اسلام گرائی و امپریالیسم هستیم و به آن اهمیتی استراتژیک میدهیم.

\*\_ هر گونه همکاری با رژیم جمهوری اسلامی یا تأیید آن به بهانه ضدیت با امپریالیسم و همدلی و ائتلاف با جنبش های بنیادگرای

اسلامی به بهانه مخالفت با رژیم های استبدادی حاکم بر کشورهای اسلامی ویا تائید اسلام‌گرائی به بهانه مقابله با خارجی ستیزی و نژادپرستی در غرب، سیاستی ضددمکراتیک و ارتجاعی است. همچنانکه تکیه برامپریالیسم و تائید مداخلات آن در امور داخلی کشورها، به بهانه مخالفت با استبداد و نقض حقوق بشر در این کشورها، خیانت به حق حاکمیت مردم، به دمکراسی و حقوق بشر است.

\*یک مرکز واحد برای رهبری جهانی طبقه کارگر در شرایط فعلی مفید نیست. اما بین المللی شدن هر چه بیشتر سرمایه و ادغام بخش های مختلف آن همبستگی و همپشتی بین المللی کارگران و زحمتکشان را به ضرورتی بیش از پیش حیاتی برای موفقیت مبارزات آنان در کشورهای مختلف مبدل کرده است. تبادل تجربه، همیاری و همکاریهای عملی با بخش های مختلف جنبش جهانی کارگری از اولویت های مبارزاتی برای سازمان ماست.